

گزارش

در آغاز نشست سپتامبر شورای حکام، مدیر کل اعلام کرد

دست‌رسی تکمیلی به محل دوم آژانس در همین ماه

● روز گذشته نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در وین برگزار شد. نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین در توییتر خود تصویری از محل جلسه منتشر کرد و نوشت: نشست شورای حکام آژانس در ماه سپتامبر این بار به خاطر بیماری همه‌گیر (کرونا) در بزرگ‌ترین اتاق کنفرانس مرکز بین‌المللی وین با فاصله‌گذاری اجتماعی اجباری و با استفاده از ماسک برگزار می‌شود.

این نشست بعد از توافقی که ماه گذشته Raffael Grosz در تهران با سازمان انرژی اتمی به دست آورد، می‌تواند نشست مهمی باشد؛ چنان‌که مدیرکل آژانس در ابتدای جلسه گفته «من ماه گذشته با حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران و دیگر مقامات ارشد مذاکراتی در راستای ایجاد پیشرفتی واقعی در رسیدگی به سؤال‌های باقی‌مانده آژانس و به‌ویژه در حل‌کردن مسئله دسترسی به دو محل در ایران داشتم. ما به توافقی بر سر حل‌کردن مسائل اجرایی پادمانی که از سوی آژانس مطرح شده بود، رسیدیم. آژانس سپس در یکی از دو محل مشخص‌شده از سوی ما تحت پروتکل الحاقی به دسترسی تکمیلی دست یافت. بازرسان ما از محیط نمونه‌برداری کرده‌اند که بررسی خواهد شد. دسترسی تکمیلی به محل دوم بعدا در ماه جاری انجام خواهد شد.» این در حالی اهمیت بیشتری می‌یابد که در نشست پیشین شورای حکام قطع‌نامه‌ای علیه ایران صادر شد تا اعتراض این نهاد بین‌المللی درباره سرپیچی ایران از تعهدات هسته‌ای را نشان دهد؛ تعهداتی که در مقابل خروج آمریکا از برجام و صورت‌نادران اقدام خاصی از سوی اروپا کاسته شد.

اما در همین میان، طرح دو محل که در آن فعالیت هسته‌ای صورت می‌گیرد؛ اما اجازه بازدید از آن به آژانس داده نشده، سر مسئله دیگری را باز کرده؛ ازاین‌رو طبق توافقاتی بین ایران و آژانس مسئله این دو سایت بررسی شد و اجازه نمونه‌گیری از یکی از سایت‌ها به کارشناسان آژانس داده شد.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اینترنتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، Raffael Grosz، مدیرکل آژانس، در سخنرانی اولیه‌اش در جلسه شورای حکام درباره فعالیت در زمینه برنامه هسته‌ای ایران گفت: گزارش من در زمینه راستی‌آزمایی و بازرسی از ایران تحت قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، فعالیت‌های ما در چند ماه اخیر در زمینه راستی‌آزمایی و بازرسی اجرای تعهدات هسته‌ای ایران طبق برجام (توافق هسته‌ای) را شامل می‌شود. آژانس به راستی‌آزمایی شکافت‌ناپذیری مواد هسته‌ای اعلام‌شده از سوی ایران طبق معاهده پادمانی ادامه می‌دهد. ارزیابی‌ها درباره نبود مواد هسته‌ای و فعالیت‌های اعلام‌نشده برای ایران ادامه دارند.

مدیرکل آژانس خطاب به رئیس جلسه گفت: شما همچنین گزارش من درباره معاهده پادمانی ان‌بی‌تی با ایران را دریافت کرده‌اید که در تلاش است درباره سؤال‌های مرتبط با درستی و کامل‌بودن اظهارات ایران تحت معاهده پادمانی و پروتکل الحاقی شفاف‌سازی کند. او همچنین با اشاره به بیانیه مشترک ایران و آژانس گفت: من از توافق میان آژانس و ایران که امیدوارم موجب تحکیم همکاری و افزایش اعتماد دوطرفه شود، استقبال می‌کنم.

نماینده روسیه در آژانس نیز هم‌زمان با برگزاری نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پیامی توییتری با انتشار یک نمودار که نشان‌دهنده «تغییرات ذخایر اورانیوم با غنای پایین ایران» است، بیان کرد: دوران برجام (توافق هسته‌ای) کمترین میزان از آغاز غنی‌سازی در سال ۲۰۰۷ بوده است. اعداد و ارقام درباره تغییرات ذخایر اورانیوم در ایران، نشانگر نقش مؤثرتر برجام و نقش منفی تصمیم آمریکا برای توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌های غیرقانونی فراسرزمینی علیه تهران هستند.

هم‌زمان با نشست شورای حکام روز گذشته مراسم آغاز احداث زیرساخت‌های فاز دوم پروژه تولید ایزوتوپ‌های پایدار به روش سانتریفیوژ گازی در فردو برگزار شد.

خبر

واکنش ظریف به عادی‌سازی روابط با اسرائیل

منتظر بعدی‌ها هم باشید

● ایسنا: وزیر خارجه ایران در پی توافقات اخیر مشتریان منطقه‌ای آمریکا، تاکید کرد: فقط یک مسئله وجود دارد: این «توافق‌نامه‌های صلح»، نه بین دشمنان بلکه بین متحدان دیرینه امضا می‌شود. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان روز دوشنبه در توییتی نوشت: دونالد ترامپ عاجزانه دنبال یک عکس انتخاباتی است. دامادش با ارباب مشتریان منطقه‌ای آمریکا، آنها را وادار کرد چنین عکسی برای او فراهم کنند. فقط یک مسئله وجود دارد: این «توافق‌نامه‌های صلح»، نه بین دشمنان، بلکه بین متحدان دیرینه امضا می‌شود. چه تحول دیپلماتیکی! منتظر بعدی‌ها هم باشید...

شرق: در پی توییت‌های اخیر سفارت آلمان در تهران که در آن به خبر اعدام نوید افکاری واکنش نشان داده شده بود، سفیر آن کشور در ایران دیروز توسط مدیرکل اروپای وزارت امور خارجه احضار شد. مدیرکل اروپای وزارت امور خارجه با «خارج از عرف دیپلماتیک» خواندن اقدام سفارت آلمان، آن را به منزله دخالت در امور داخلی کشورمان دانسته و به‌شدت محکوم کرد. مدیرکل اروپا تصریح کرد مداخله در قوانین و مقررات و رویه‌های قضانی مستقل جمهوری اسلامی ایران به‌هیچ‌وجه قابل‌قبول و تحمل نیست و از سفارت آلمان انتظار می‌رود حدودود وظایف دیپلماتیک خود را شناخته و پا از آن فراتر نگذارد. سفیر آلمان اظهار کرد مراتب را به کنشورش منعکس خواهد کرد.

این احضار در پی توییت‌هایی بود که از سوی هانس اودو موتسل، سفیر جدید آلمان و در حساب توییتر سفارت آلمان در تهران منتشر



روح‌اله نخعی: همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، بعد از امارات متحده عربی، بحرین نیز به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرداخت و به نظر می‌رسد **منامه آخرین پایتخت عربی نخواهد بود** که به این مسیر می‌رود. به‌این‌ترتیب اسرائیل در حال رسمیت‌بخشیدن به روابطش با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در جنوب ایران و حضور رسمی در این منطقه است. برای بررسی علل و پیامدهای این وضعیت و راهبردهای پیش‌روی ایران در مقابل چالش‌های احتمالی، پای صحبت قاسم مجبعلی، مدیرکل سابق امور خاورمیانه وزارت خارجه ایران نشستم. او معتقد است ایران نباید واکنش تندی به این اقدامات کشورهای عربی نشان دهد، چون در صورت تشدید تقابل، آنها بیشتر به آمریکا و اسرائیل نزدیک می‌شوند. مجبعلی همچنین توضیح می‌دهد که **چرا عربستان به‌عنوان رقیب اصلی ایران در منطقه، در آخر صف عادی‌سازی روابط با اسرائیل قرار گرفته است**.

❧ روندی که در عادی‌سازی روابط کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با اسرائیل شکل گرفته از نگاه ناشی‌ها، چه مسیری دارد؟ آیا اصلا «روندی» در کار است؟
بله، یک روند طولانی است. از مدت‌ها پیش شروع شده و زیر فشاری که آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، از دهه ۸۰ شروع شد، زمانی که شیمون پرز وزیر خارجه وقت اسرائیل در دهه ۸۰ کتاب خاورمیانه جدید را نوشت. تشری این بود که اسرائیل نباید الزاما بر گسترش سرزمینی تاکید کند بلکه باید به دنبال مناسبات دوستانه و اقتصادی باشد. در این صورت به‌عنوان قدرت منطقه خواهد بود. درحالی‌که الان در دریای دشمنان زندگی می‌کند و باید بتواند با همسایگان و جهان عرب ارتباط برقرار کند و برای این کار باید سیاست‌هایش را تطوری تنظیم کند که با جهان عرب در تقابل نباشد. درعین‌حال یکی از ویژگی‌های جامعه یهود و روان‌شناسی یهود همیشه همین بود که احساس تهدید داشته باشند و همبستگی ملی یهودیان بر اساس تهدید حیاتی شکل می‌گرفت و به این احساس تهدید نیاز داشت. تا وقتی که با جهان عرب درگیر بود، این تهدید حیاتی از سمت آنها بود و اساس همبستگی در اسرائیل و در جامعه یهود این بود.

اما طبیعتا بعد از انقلاب اسلامی و شکافی که متعاقب انقلاب اسلامی در منطقه ایجاد شد، این شکاف باعث شد که جمهوری اسلامی ایران هم تهدید اصلی خود را اسرائیل تعریف کند. همچنین وقتی جنگ ایران و عراق شروع شد، عراق و بقیه کشورهای خلیج فارس احساس کردند که تنها تهدید اسرائیل نیست و صدام درحالی‌که پیش‌تر خودش را در مقابل اسرائیل مطرح می‌کرد و عمق جبهه شرقی در مقابل اسرائیل بود، این‌ار عمق جبهه شرقی در مقابل ایران شد و این تهدید در جهان عرب شد.

اسرائیل و آمریکا سعی کردند مدیریت کنند و در جهان عرب هم تغییراتی اتفاق افتاد. ایران‌هراسی و تهدید ایران رو به اوج رفت و در مقابل به اصطلاح تهدید اسرائیل رو به کاهش و بعد از اینکه مصر با اسرائیل صلح کرد و اردن صلح کرد و پیمان اسلو بین فلسطینی‌ها و اسرائیل در دهه ۹۰ امضا شد، اسرائیل در اواخر آن دهه از لبنان خارج شد، عملا تهدید اسرائیل علیه اعراب کاهش پیدا کرد و در مقابل تحولاتی اتفاق افتاد.

اکنون با مثلثی مواجهیم که سه ضلع دارد و سه زاویه. یک ضلعش مناسبات ایران و اسرائیل است، یک ضلعش اعراب و اسرائیل و یک ضلعش اعراب و ایران. در این مثلث هرچه محور ایران و اعراب و تنش‌ها و اختلافات بینشان تشدید شود، از آن طرف شدت مشکل اعراب و اسرائیل کاهش می‌یابد و این مسئله در قرن جدید بعد از اتفاقاتی که در ۱۱ سپتامبر و اشغال افغانستان، سقوط صدام و روی‌کارآمدن دولت شیعی در عراق رخ داد و تهدید اسرائیل رو به کاهش رفت. بهار عربی اتفاق افتاد و به سورهیه، عراق و یمن تحولاتی پیش آمد و روابط ایران با بحرین و امارات متحده عربی و عربستان سعودی رو به وخامت رفت، مصر به‌عنوان قدرت عربی تضعیف شد و عملا این شد که ایران در جهان عرب به‌عنوان تهدید اول مطرح شود.

❧ الان با این عادی‌سازی‌ها اسرائیل دارد به کشورهای نزدیک می‌شود و با کشورهای رابطه می‌گیرد که در جنوب ایران و در منطقه حساس خلیج فارس هستند. این تا چه حد ممکن است به چالشی برای ایران تبدیل شود و آیا اوضاع عوض می‌شود؟

احضار سفیر آلمان در ایران به وزارت خارجه

شده بود. در این توییت‌ها آمده بود: «عمیقا از اعدام نوید افکاری در ایران متحیر شدیم. پذیرفتنی نیست که برای خاموش‌کردن صداهای مخالف، قوانین اساسی حقوقی نادیده گرفته شوند. دو برادر نوید هنوز در زندان هستند و اکنون به همبستگی ما نیاز دارند!». در ادامه به نقل از سفیر آمده بود: «بریل کوفلر، کمیسر حقوق بشر دولت آلمان، بیانیه زیر را در مورد سرنوشت تکان‌دهنده ورزشکار ایرانی، نوید افکاری منتشر کرد. ما در غم خانواده‌اش، دوستان و جامعه بین‌الملل ورزشی شریک هستیم». توییت‌های سفارت آلمان، تنها واکنش‌های مقامات خارجی به این خبر نبوده‌اند. یکی از سخنگویان جوسب بورل، نماینده ارشد اتحادیه اروپا در روابط خارجی و سیاست‌های امنیتی در بیانیه‌ای اعلام کرد اتحادیه اروپا در هر شرایطی مخالف مجازات اعدام است. وزارت خارجه فرانسه نیز در بیانیه‌ای با محکوم‌کردن اعدام نوید افکاری در موضع مشابهی مخالفت خود با حکم اعدام در هر جا و

است و قطعی نشده است.

بررسی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل در گفت‌وگو با قاسم مجبعلی، دیپلمات

ایران باید با خونسردی برخورد کند



به دو مسئله بستگی دارد؛ یکی به سیاست‌ها و رفتار ایران بستگی دارد و چگونگی عکس‌العملش. این اتفاق تنها در جنوب ایران نیفتاده؛ پیش‌تر ترکیه با اسرائیل عادی‌سازی کرد، جمهوری آذربایجان روابط بسیار خوب و گسترده‌ای با اسرائیل دارد، روسیه که متحد راهبردی ماست از هم‌پیمانان و حافظان موجودیت و امنیت اسرائیل است. ایران در مقابل آنها حساسیت ندارد و آنها برای ایران تهدید نشده است. اگر ایران سیاسی اتخاذ کند که موضوع را فاجعه‌آمیز نکند، شاید خیلی این مسئله صورت تغییر دولت اوضاع فرق کند. اگر به بلتفرم ۲۰۲۰ حزب دموکرات که در مجمع عمومی به‌تازگی منتشر شد، نگاهی بیندازید و به بخش ایران، می‌بینید که سیاست آنها در قبال ایران و عربستان و تانیاهو و مسئله فلسطین کاملا متفاوت است.

مفهومش این نیست که از حمایت از اسرائیل دست برمی‌دارند. مفهومی‌ش این است که مثلا مخالف انضمام کرانه باختری هستند و طرفدار تشکیل دو دولت هستند، درباره عربستان موافق نیستند که در عربستان حکومت با رویکرد اقتدارگرایی باشد که از گروه‌های افراطی حمایت کند. صراحتا گفته شده که در این زمینه‌ها چک سفید به عربستان داده می‌شود. دموکرات‌ها در همان مسئله خاشقجی هم نشان دادند که رفتارشان با ترامپ متفاوت بود. آنها خواستار پیگیری مسئله و برخورد بودند و ترامپ خواستار این نبود. مناسبات عربستان با دولت دموکرات نسبتا متفاوت خواهد بود با مناسبات ترامپ با دولت عربستان و نیز با دولت‌های کوچک‌تر مثل بحرین و امارات و همین‌طور به دنبال این هستند

که تانیاهاو را ادب کنند و کابینه معتدل‌تری در کار

باشد. اگر دموکرات‌ها سر کار بیایند، این سیاست‌های اسرائیل هم در منطقه تغییر دهد. البته بحث دیگر هم که ممکن است باعث شود فشار بر ایران افزایش یابد، این است که اروپا و آمریکا به هم نزدیک شوند و در سیاست‌ها علیه ایران و روسیه و چین با هم اتلافی را نشان دهند. از این نظر پوتین به‌شدت دنبال باقی‌ماندن ترامپ است. اسرائیل هم به دنبال ماندن ترامپ است و عربستان هم همین‌طور و کشورهای خلیج فارس این شکلات‌ها را به ترامپ می‌دهند که در انتخابات برنده شود. اگر روسیه ابراز تمایل می‌کند که وارد مذاکره شود، می‌خواهد امتیاز بزرگی به ترامپ بدهد که رأی یابورد؛ بنابراین باید منتظر باشیم که در تفاوت‌ها ایجاد شود. اما نه در استراتژی؛ بلکه در چارچوب آن استراتژی امنیت ملی آمریکا که ایران از تهدید امنیت ملی تبدیل به یک کشوری شود که نه کشور دوست بلکه کشوری که طرف تهدید امنیت و منافع ایران باشد، منطقه نیست و برنامه هسته‌ای‌اش تهدید منافع اسرائیل با آمریکا را دنبال نمی‌کند. و دموکرات‌ها از شیوه‌های دیگری می‌روند و ترامپ از شیوه‌های دیگری؛ ولی اگر ترامپ دوباره برنده شود، باید نگران وضعیت بود و ترامپ که احتیاج به رأی ندارد، ممکن است وارد گام‌هایی شود که خطرناک است، هم برای امنیت منطقه، هم امنیت ایران و هم امنیت جهان.

شرایطی را اعلام کرده بود.

در همین رابطه و به گزارش خبرگزاری میزان، علی باقری، معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه نسبت به این مواضع اعتراض خود را اعلام کرد. باقری در جلسه شورای عالی قوه قضائیه ایران از سفارتخانه‌های خارجی خواسته «ادب دیپلماتیک» را رعایت کنند و افزوده: «فشارهای خارجی نه تیغ تیز عدالت قوه قضائیه را کند می‌کند؛ نه چتر گسترده رحمت و رأفت اسلامی را کوچک خواهد کرد».

از سوی دیگر و در پی انتشار خبر موضع‌گیری‌های اروپایی در این زمینه، برخی رسانه‌های خارجی مدعی شده‌اند که سفر محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران به کشورهای اروپایی به همین دلیل لغو شده است. این البته در حالی است که سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه چند روز پیش گفته بود این سفر هنوز در مرحله برنامه‌ریزی است و قطعی نشده است.

است که طرف‌های مقابل چه فکری می‌کنند. این را باید مجددا بررسی کنیم و ببینیم آیا به نفع ما هست که هم بحرین را تهدید کنیم و هم عربستان را و هم اسرائیل را.

❧ بحثی که مطرح شده است و شما هم اشاره کردید، این است که الان آمریکا پیگیر این روند است. انتخابات آمریکا نزدیک است. این مسئله چه تأثیری در این زمینه دارد؟ آیا تغییر احتمالی در آمریکا تفاوتی در این زمینه ایجاد می‌کند؟

دو طرف صحنه سیاسی آمریکا تفاوت‌های نسبتا روشنی دارند. رویکرد امنیت ملی آمریکا که هر دو سال یک بار منتشر می‌شود، محورهای ثابتی دارد و در آن ایران تهدید امنیتی آمریکا است. چه دولت دموکرات بر سر کار باشد، چه جمهوری‌خواه. ایران به‌عنوان مسئله امنیتی مطرح شده است؛ اما روش‌های این دولت‌ها در قبال ایران متفاوت است؛ همین‌طور روش‌های‌شان در خاورمیانه و در قبال رابطه آمریکا با عربستان و اسرائیل متفاوت است. روابط اواما با عربستان و اسرائیل به صورت چشمگیر متفاوت از ترامپ بود. همین‌طور در مسئله هسته‌ای مسئله برجام؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که در صورت تغییر دولت اوضاع فرق کند. اگر به بلتفرم ۲۰۲۰ حزب دموکرات که در مجمع عمومی به‌تازگی منتشر شد، نگاهی بیندازید و به بخش ایران، می‌بینید که سیاست آنها در قبال ایران و عربستان و تانیاهو و مسئله فلسطین کاملا متفاوت است.

مفهومش این نیست که از حمایت از اسرائیل دست برمی‌دارند. مفهومی‌ش این است که مثلا مخالف انضمام کرانه باختری هستند و طرفدار تشکیل دو دولت هستند، درباره عربستان موافق نیستند که در عربستان حکومت با رویکرد اقتدارگرایی باشد که از گروه‌های افراطی حمایت کند. صراحتا گفته شده که در این زمینه‌ها چک سفید به عربستان داده می‌شود. دموکرات‌ها در همان مسئله خاشقجی هم نشان دادند که رفتارشان با ترامپ متفاوت بود. آنها خواستار پیگیری مسئله و برخورد بودند و ترامپ خواستار این نبود. مناسبات عربستان با دولت دموکرات نسبتا متفاوت خواهد بود با مناسبات ترامپ با دولت عربستان و نیز با دولت‌های کوچک‌تر مثل بحرین و امارات و همین‌طور به دنبال این هستند

که تانیاهاو را ادب کنند و کابینه معتدل‌تری در کار باشد. اگر دموکرات‌ها سر کار بیایند، این سیاست‌های اسرائیل هم در منطقه تغییر دهد. البته بحث دیگر هم که ممکن است باعث شود فشار بر ایران افزایش یابد، این است که اروپا و آمریکا به هم نزدیک شوند و در سیاست‌ها علیه ایران و روسیه و چین با هم اتلافی را نشان دهند. از این نظر پوتین به‌شدت دنبال باقی‌ماندن ترامپ است. اسرائیل هم به دنبال ماندن ترامپ است و عربستان هم همین‌طور و کشورهای خلیج فارس این شکلات‌ها را به ترامپ می‌دهند که در انتخابات برنده شود. اگر روسیه ابراز تمایل می‌کند که وارد مذاکره شود، می‌خواهد امتیاز بزرگی به ترامپ بدهد که رأی یابورد؛ بنابراین باید منتظر باشیم که در تفاوت‌ها ایجاد شود. اما نه در استراتژی؛ بلکه در چارچوب آن استراتژی امنیت ملی آمریکا که ایران از تهدید امنیت ملی تبدیل به یک کشوری شود که نه کشور دوست بلکه کشوری که طرف تهدید امنیت و منافع ایران باشد، منطقه نیست و برنامه هسته‌ای‌اش تهدید منافع اسرائیل با آمریکا را دنبال نمی‌کند. و دموکرات‌ها از شیوه‌های دیگری می‌روند و ترامپ از شیوه‌های دیگری؛ ولی اگر ترامپ دوباره برنده شود، باید نگران وضعیت بود و ترامپ که احتیاج به رأی ندارد، ممکن است وارد گام‌هایی شود که خطرناک است، هم برای امنیت منطقه، هم امنیت ایران و هم امنیت جهان.

ادامه از صفحه اول

توهم تورم؟

چنانکه مشخص است میانگین تورم یک‌ساله منتهی به سه ماه قبل حدود ۲۷ درصد و میانگین تورم ماهانه نیز حدود چهار درصد بوده است.

میانگین نرخ ماهانه تورم در پنج ماه ابتدای سال نیز حدود ۳/۳ درصد بوده که در مجموع رقم بالای ۱۶ درصد را برای پنج ماه اخیر نشان می‌دهد که با رقم ۲۲ تا ۲۴ درصدی هدف‌گذاری‌شده بانک مرکزی ۶ تا ۸ درصد بیشتر فاصله ندارد. به‌این‌ترتیب در ماه‌های آتی حادکنر تورم ماهانه باید حدود یک درصد باشد که طبق روند اشاره شده (میانگین ۳/۳ درصد) و روند صعودی افزایش حجم نقدینگی بسیار بعید بنماید.

چنانکه در گزارش تازه بانک مرکزی درباره نقدینگی و رشد آن نیز عنوان شده است که در پنج‌ماه اخیر منتهی به پایان مرداد سال جاری، ۱۳/۸ درصد به حجم نقدینگی افزوده شده (رشد نقدینگی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب ۲۳/۱ و ۳۱/۳ درصد بوده است) و رقم نقدینگی از ۲۴۲۷ هزار میلیارد تومان، به عدد ۲۸۱۳ هزار میلیارد تومان رسیده (۳۴۱ هزار میلیارد تومان افزایش) یعنی روزانه ۲۰۲ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است. ضرب فراینده پولی نیز که در پایان سال ۹۸ معادل هفت بوده که در پایان مرداد ۹۹ به عدد ۷۰۷۵ رسیده است.

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد در پایان سال جاری هم باید منتظر همان محدوده نرخ تورم سال گذشته (۴۱/۲ درصد) باشیم.

در این میان باید به وضعیت رکودی اقتصاد ایران نیز اشاره کرد که در کنار تورم بالا (رکود تورمی) مصیبت اقتصادی کشور را دوچندان می‌کند. آخرین گزارش مرکز آمار رشد اقتصادی سه‌ماهه اول سال با نفت را منفی ۳/۵ درصد اعلام کرد. رشد اقتصادی سال‌های ۹۷ و ۹۸ هم به ترتیب منفی ۵/۴ و منفی ۶/۵ درصد بوده که رکودی عمیق در دوسال‌ونیم اخیر را نشان می‌دهد؛ رکودی که با رشد منفی سرمایه‌گذاری و رشد منفی مصرف بخش خصوصی و تداوم تحریم‌ها و نیز آثار اقتصادی و اجتماعی بیماری کرونا گره خورده است.

اما راه‌حل تورم بالای اقتصاد ایران چیست؟
توماس سارجنت، برنده جایزه نوبل اقتصاد در گفت‌وگویی با یک نشریه تخصصی اقتصادی کشورمان (تجارت فردا- شماره ۳۷۳- شهریور۹۹) بخشی از نامه «جان مینارد کینز» به وزیر اقتصاد فرانسه در سال ۱۹۳۳ را دراین‌باره ذکر می‌کند که در آن آمده است: «اگر به‌دنبال کاهش تورم هستید، گزینه‌های زیادی ندارید، شما کسری بودجه زیادی دارید و برای تأمین مالی خود پول چاپ می‌کنید و به خلق پول مشغولید؛ بنابراین برای کاهش تورم، یک راه، کاهش هزینه‌های دولت است که به نظر برای شما کار بسیار سختی است، راه دیگر، افزایش درآمد است که یعنی افزایش مالیات که آن هم به نظر برای شما سخت است، عدم پرداخت بدهی خود یا پرداخت آن با سود کمتر که بازهم به نظر برای شما سخت، اما آیا راه دیگری هست؟ پاسخ منفی است».

سارجنت می‌گوید درباره تورم توصیه‌ای غیر از توصیه کینز ندارد. هرچند به گفته وی «در واقع کینز هم در سال ۱۹۳۳ حرف جدیدی نزد، او نیز از ادبیات اقتصاد کلاسیک استفاده کرده».

اما باوجوداین فروتنی سارجنت در قالب مقاله‌ای با عنوان «پایان چهار تورم بزرگ» که در چارچوب نظریه‌اش «انتظارات عقلانی»، درباره کنترل تورم بالا در چهار کشور آلمان، اتریش، مجارستان و لهستان منتشر کرد، به این نکات بسیار مهم نیز به‌عنوان راه‌های حل مسئله اشاره می‌کند: «این کشورها تنها زمانی توانستند بر تورم فائق آیند که انتظارات مردم را مدیریت کنند... مدیریت انتظارات هم با پیش‌بینی‌پذیرشدن اقدامات دولت، پرهیز از تغییر سیاست ناگهانی و کنترل کسری بودجه و حتی ایجاد توازن بودجه انجام شد».

به گفته سارجنت اما «بخش اقتصادی مسئله تورم ساده است» اما دشواری حل مسئله «بخش اقتصاد سیاسی» آن است، چراکه به اعتقاد وی «برای مهار تورم، باید به تعادل مخربی که در بازیگران تورم بالا ایجاد شده، توجه کرد و راهی برای برهم‌زدن این تعادل ناصواب یافت»؛ بازیگرانی است که دولت، بانک‌ها، بخش‌هایی از حاکمیتی برای درمان این درد مزمن و تاریخی از طرق اعتمادسازی، سیاست‌گذاری پولی و کنترل انتظارات تورمی می‌سازد و اراده بانک مرکزی فقط یکی از اراده‌ها و از معقول‌ترین، محبوب‌ترین و البته کم‌قدرت‌ترین این اراده‌ها در مجموع اعتبار و اقتصاد سیاسی کشورمان است.

مهم هم‌راهی نفع‌برندگان از این تورم نابودگر توان ملی است که به گفته سارجنت، نوبلیست اقتصاد، باید تن به این تحول بزرگ و تاریخی دهند تا تعادل مخرب فعلی به تعادلی سازنده تبدیل شود. کاری سخت و دشوار به قدمت پنج دهه و عمر دو نظام سیاسی.